

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸
صفحات: ۱۵۸-۱۴۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۲۸

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها و اخلاق عملگرایی اقتصادی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و پیامدهای آن در توسعه جمهوری اسلامی ایران

سید اسدالله اطهری* / سعید جهانگیری** / حامد عمویی***

چکیده

آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی، از جمله چهره‌های اصلی انقلاب اسلامی است که نه تنها در پیش از وقوع انقلاب به مبارزه و مجاهدت در راه اسلام و ایران پرداخت، که پس از آن نیز با حضور مؤثر و دغدغه‌مند خویش در عرصه‌های مختلف سیاسی و تصمیم‌گیری کشور، نقش موثری را در اعتلای وضعیت اقتصادی و سیاسی در داخل و در عرصه بین‌المللی داشته است. توجه وی به اشخاصی در تاریخ ایران، همچون امیرکبیر، نشان از توجه وی به توسعه و اصلاحات زیربنایی امور داشته و اندیشه و اخلاق عملگرایی را برای وی به فراهم آورده بود که منجر به پایه‌گذار نوسازی و توسعه اقتصادی در اندیشه و عمل در کشور، به ویژه در دوره ریاست جمهوری ایشان شده، به گونه‌ای که لقب سردار سازندگی را برای ایشان به ارمغان آورد. هدف این مقاله تاریخی-توصیفی آن است که اندیشه‌ها و اخلاق اقتصادی‌هاشمی رفسنجانی را بررسی نماید. نتایج نشان از آن دارد که دو رشته عوامل داخلی و خارجی بر این اندیشه‌ها و اخلاق مذکور اثر داشته و منجر به عملی شدن آن‌ها در چارچوب سیاست‌های توسعه و نوسازی‌هاشمی رفسنجانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران شده است.

کلیدواژه‌ها

هاشمی رفسنجانی؛ اخلاق؛ اندیشه‌ها؛ اقتصاد؛ عملگرایی.

* استادیار علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسؤل) athary.asadolah@yahoo.com
** دانش‌آموخته دکتری گروه علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران. saeedjahangiri61@yahoo.com
*** دانش‌آموخته دکتری گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران. hamedamo2000@gmail.com

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، منجر به تغییراتی اساسی در ایران شد و با توجه به ارزش‌های حامل انقلاب و انباشت خواسته‌های مردم در برکندن ریشه‌های رژیم سابق و تغییر اهداف خارجی آن، رویکرد ایدئولوژیک بر کل عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور تسلط پیدا کرد. این رویکرد ایدئولوژیک در عرصه داخلی بر خارج کردن نیروهای ضد و زاویه‌دار با انقلاب از عرصه قدرت، قرار گرفتن قدرت در دست نیروهای انقلاب و اسلامی، عدالت اجتماعی با حمایت از مستضعفان، ملی کردن صنایع، بزرگ شدن دولت و... تأکید داشت و در عرصه خارجی بر استقلال، استکبارستیزی، صدور انقلاب، تغییر متحدان ایران و اتخاذ مشی عدم‌تعهد و... پافشاری می‌کرد. حاملان اجتماعی اصلی آن نیز نیروهای سنتی و چپ‌های اسلامی بودند که بر پایه امواج توده‌ای خواسته‌های مستضعفان، برای بسط تمام عیار و شتابان رویکرد ایدئولوژیک تأکید می‌کردند.

اما، در این میان، بودند عملگرایان و میانه‌روانی چون آیت‌الله اکبرهاشمی رفسنجانی که با اینکه همچون بسیاری دیگر از مبارزان قبل از انقلاب، طعم زندان را چشیده بودند، با این حال به جای تندروی، بر این امر اصرار داشتند که در راه دست‌یافتن به این سیاست‌ها نباید شتاب‌زده عمل کرد و باید اعتدال و میانه‌روی را در همه امور سرچوله قرار داد. هاشمی رفسنجانی با اخلاق عملگرا و مشی سیاسی میانه‌روانه، پس از امام خمینی^(۵) و به پشتوانه اعتماد ایشان، به مرکز ثقلی برای همه نیروهای انقلابی تبدیل شده بود که هم در شورای انقلاب نقش محوری داشت و هم جریان عملی امور انقلاب را نه تنها بر عهده گرفته بود و بسیاری از اختلافات نیروهای انقلابی نیز به واسطه حضور پررنگ ایشان حل و فصل می‌شد که به تازگی در حزب جمهوری اسلامی گرد هم آمده بودند. با اینکه هاشمی رفسنجانی، این مشی و اخلاق سیاسی را ادامه می‌داد، اما خواست تندروانه بسیاری از افراد، به ایشان فرصت نداد تا میانه‌روی را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به اجرا بگذارد، تا اینکه چنین فرصتی در دو دوره ریاست جمهوری ایشان به دست آمد. هدف این مقاله، آن است که زمینه‌ها و عوامل پدیدآیی اخلاق عملگرا، اندیشه‌ها و مشی میانه‌روانه و اعتدالی اقتصادی هاشمی رفسنجانی را بررسی کرده و پیامدهای آن را در کشور مورد توجه قرار دهد. پس پرسش اصلی مقاله آن است که چه عواملی موجب تعمیق اندیشه‌های و اخلاق میانه‌روانه اقتصادی هاشمی رفسنجانی برای دستیابی به توسعه اقتصادی شده است؟ فرضیه پاسخ‌دهنده به این پرسش بیان می‌دارد که دو دسته

عوامل داخلی و خارجی موجب تعمیق اندیشه‌های میانه‌روانه و اخلاق عملگرایی اقتصادی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی برای دستیابی به توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیامد شده است. روش انجام این مقاله، تاریخی-توصیفی است.

۱- مبانی نظری

۱-۱- تعریف عملگرایی^۱ و اصول آن

عملگرایی نخستین بار توسط چارلز پیرس به سال ۱۸۷۸ به عنوان یک روش مطرح شد. سپس ویلیام جیمز، جان دیویی و آرتور بالفور فردیناند شیلر وهانس ویهنگر روایات متعددی از آن ارائه دادند. این واژه، نه به عنوان یک روش یا یک مکتب، بلکه به عنوان قواعد مبتنی بر تجربه در حوزه اخلاق عملی توسط کانت به کار برده شده بود (خاتمی، ۱۳۸۷: ۹۶). امیل دورکیم عمل‌گرایی را واکنشی در برابر عقل‌گرایی سنتی می‌دانست و طبق نظر کاپلان عملگرایی، نسخه بدل تجربه‌گرایی معنایی است که آن نیز خود، نتیجه بسط تجربه‌گرایی ارزشی محسوب می‌شود (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۷۶). پراگماتیسم دیدگاه، روش و فلسفه‌ای است که نتایج عملی ایده‌ها و عقاید را به عنوان معیار تعیین ارزش و صدق آن‌ها به کار می‌برد. به اعتقاد ویلیام جیمز، دیدگاهی است که از آغاز اشیاء، اصول و مقولات را کنار می‌گذارد و به غایت اشیاء، دستاورد، نتایج و واقعیات عملی توجه می‌کند. مکتب عملگرایی بر تجربه، تحقیق تجربی و حقیقت از آن حیث که نتایجی قانع‌کننده دارند، تأکید می‌ورزد. دیویی روش تجربه را اصل می‌داند و تفکر و نظریه‌ها را به عنوان وسایلی برای تطابق یک سامانه با محیط تفسیر می‌کند؛ بنابراین، عملگرایی روشی تجربی است که به همه حوزه‌های تجربه انسانی گسترده شده است (خاتمی، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۷). چنانچه ملاحظه می‌شود، در این مکتب برای تشخیص حقیقت از غیرحقیقت، به جای آنکه موضوعی را از لحاظ نظری و با استدلال مطالعه نماید، اثر عملی و فایده آن بررسی می‌شود (صالح، بی تا: ۴).

اصول عملگرایی عبارتند از: طبیعت‌گرایی، ابزارانگاری، اصالت منفعت، و علم‌گرایی. در عملگرایی، واقع‌گرایان اجتماعی، بر این امر تأکید دارند که جامعه چگونه فراگردهای ذهنی را می‌سازد و نظارت می‌کند. کنشگران به جای آنکه عاملان آزادی باشند، شناخت‌ها و رفتارهایشان متأثر از اجتماعی گسترده‌تر است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۶۹-۲۶۸). به علاوه عملگراییان در مورد

1. Pragmatism

رابطه فرد و اجتماع بر این باورند که افراد توسط جامعه شکل می‌گیرند، اما در عین حال انسان خلاق، کنش فردی و اجتماعی را چنان می‌سازد که هست. وقتی بین جامعه و افراد وحدت و یگانگی باشد، واکنش‌های اجتماعی آن‌ها تعدیل و اصلاح می‌گردد. در چنین برداشتی، افراد در کنش اجتماعی سهیم اند، بدون آنکه بر تفوق خواسته‌ها و انگیزش‌ها و ارزش‌های فردی پافشاری کنند (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۷۸).

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی در عرصه اخلاق عملی، یک عملگرا بود و این عملگرایی را در اقدامات خویش در جهت توسعه ایران به ثبوت رساند و به این جهت، به عملگرایی وی توجه شده است. با توجه به مفروضات عملگرایی که از روش تجربی در حوزه زندگی اجتماعی انسان برمی‌خیزد، نه تنها زمینه‌های رسیدن به عمل دارای اهمیت است که فرآیند تعمیق اندیشه‌های عملی را نیز رقم خواهد زد، که چنانکه در این نظریه اشاره شد، پیامدهای عمل دارای اهمیت است و این پیامد برای‌هاشمی رفسنجانی، توسعه اقتصادی ایران بوده است.

بر اساس اصول عملگرایی (طبیعت‌گرایی، ابزارانگاری، اصالت منفعت، و علم‌گرایی) می‌توان به ارتباط این نظریه با نظریات توسعه اقتصادی پی برد. چرا که منظور از توسعه اقتصادی، فایق آمدن انسان بر طبیعت است که برای دست یافتن به منافع بیشتر توسط جوامع انسانی صورت می‌گیرد و در این روند، عقلانیت ابزاری از طریق علم‌گرایی و در چارچوب تکنوکراسی فراهم می‌آید. این مجموعه اصول را می‌توان در اخلاق عملگرایی اقتصادی‌هاشمی رفسنجانی با بررسی سیاست‌ها، طرز عمل و پیامدهای توسعه‌ای اقدامات وی به روشنی دریافت.

۱-۲- تعریف توسعه و پیامدهای آن

مایکل تودارو، توسعه را چنین تعریف می‌کند: «توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر است و باید سه هدف عمده را پیگیری نماید که عبارتند از: تأمین نیازهای اساسی، اعتماد به نفس، آزادی و توانایی انتخاب داشتن است» (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳). در زمینه پیامدهای توسعه و تغییراتی که به‌واسطه آن در جامعه ایجاد می‌شود، «آهنگ توسعه احتمالاً، به همان میزان مهم است که سطح توسعه» (دوورژه، ۱۳۷۶: ۱۰۴-۱۰۳).

۳-۱- تعریف توسعه اقتصادی و نظریه‌های آن

توسعه اقتصادی عبارت است «از افزایش تولید همراه با بهبود کیفی روش‌ها و وسایل تولید، رفع اختلاف درآمدها و مالکیت و کنترل کلیه دارایی‌های تولیدی. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی، شامل ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید به نحوی است که موجب افزایش بهره‌وری کار گردد» (کیلی و مافیلت، ۱۳۹۱: ۵).

از لحاظ مکتب‌های نظری، سه مکتب نوسازی، وابستگی و جهانی به موضوع توسعه پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند الگوهایی برای توسعه کشورهای غیرصنعتی ایجاد نمایند. اما به نظر می‌رسد، آن دسته از کشورهایی که مکتب نوسازی را در پیش گرفته‌اند، تجربه موفق‌تری از توسعه را به نمایش گذاشته‌اند. مکتب نوسازی، بر مفاهیم سرمایه‌داری استوار گردیده است و به این لحاظ دارای محوریت بر پایه آزادگرایی اقتصادی و پس از آن نوآزادگرایی اقتصادی است. اقتصاد آزادی‌گرا بر این مفهوم استوار است که اگر اقتصاد بازار به حال خود گذارده شود، به طور خودکار و برابر با سازوکارهای عرضه و تقاضا عمل خواهد کرد. مفاهیم اصلی این رهیافت نیز بازار و آزادی تجارت است. به نظر دیوید کورتن از دید آزادی‌گرایان، «توسعه اقتصادی به معنای گسترش بازار آزاد سرمایه‌داری در کلیه کشورهای جهان است» (Korton, 1999: 795). نوآزادی‌گرایی اقتصادی هم که در دوره جهانی شدن به وجود آمده است و پویایی آن را مد نظر دارد، به طور گسترده‌ای بر درهای باز اقتصادی، گردش سرمایه، همکاری از طریق سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، شفاف‌سازی قوانین اقتصادی و تجارت تاکید می‌کند و نتیجه آن سرازیر شدن سرمایه از محل‌های انباشت آن در جهان به سوی محل‌هایی است که در آن‌ها کمبود سرمایه وجود دارد که پیامد آن توسعه است.

۲- عوامل اثرگذار بر اخلاق عملگرا و اندیشه‌های اقتصادی‌هاشمی رفسنجانی و

پیامدهای آن

هاشمی رفسنجانی که از سال ۱۳۳۷ تا دوران پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در تمامی صحنه‌های مبارزاتی و نهضت انقلاب اسلامی حضور چشمگیر داشته است، و همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بازوی اصلی انقلاب در مسؤولیت‌های متعدد، نقش مؤثری در حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران ایفا نمود. آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، دارای اخلاق عملگرا و اندیشه اقتصادی توسعه‌گرا بود. مهم‌ترین سندی که در این رابطه می‌توان در دوره پیش از

انقلاب از اخلاق مذکور، بدان پی برد، اندیشه‌های رفسنجانی در چارچوب کتابی تحقیقی درباره امیرکبیر است که با عنوان «امیرکبیر یا میرزا تقی خان فراهانی قهرمان مبارزه با استعمار» در سال ۱۳۴۶ به چاپ رساند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۴۶). توجه او به توسعه ایران، از جای جای این اثر به روشنی پیداست. به علاوه، وی، از گذشته و از هنگام مبارزه‌های انقلابی، این صفت را با خود به دوش می‌کشید، چه آنکه در میان تمامی یاران امام خمینی^(۶) که حلقه نزدیک وی را تشکیل می‌داند، او تنها کسی بود که می‌اندیشید، مبارزه نیازمند پشتوانه مالی است، به ویژه خانواده مبارزان در زندان، نیازمند همیاری هستند تا بتوانند مبارزه را تداوم بخشند. از این رو، وی دست به کار فعالیت اقتصادی شد، به طوری که تفاوت نگاه وی به ویژه به امر اقتصاد، از همان ابتدا با دیگر مبارزان به گفته بسیاری مشخص بود. اما پس از پیروزی انقلاب، عوامل مختلفی موجب شد تا اخلاق و اندیشه‌های عملگرایانه ایشان، تعمیق یافته و در دو دوره ریاست جمهوری ایشان به منصف ظهور کامل رسد که پیامد آن توسعه کشور بود. بنابراین عوامل، که می‌توان آن‌ها را در دو بخش داخلی و خارجی تقسیم‌بندی کرد، اندیشه‌نوسازی و توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی از وضعیت داخلی و شرایط بین‌المللی نشأت گرفته بود.

۲-۱. عوامل داخلی مؤثر بر اخلاق عملگرا و آرای اقتصادی هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سیاستمداری بود که «جدای از وجهه سیاسی و انقلابی، در اقتصاد نیز از چهره‌های سیاست‌ساز و اثرگذار محسوب می‌شود. حضور هاشمی رفسنجانی در حوزه‌های نظری و عملی اقتصاد کشور به همان روزهای اول انقلاب برمی‌گردد؛ او در هر جایگاهی که بود، سخنرانی‌های بسیار تاثیرگذاری در این دوره داشت» (فرادید، ۱۳۹۵). برای نمونه خطبه‌های هاشمی در نماز جمعه با موضوع عدالت اجتماعی در ابتدای پیروزی انقلاب به برقراری تعادل در جامعه اشاره دارد که ناشی از اخلاق میانه‌روی ایشان بوده است. در حقیقت و با توجه به این نمونه، «اندیشه‌نوسازی و توسعه اقتصادی وی نیز با توجه به شرایطی که بعد از پیروزی انقلاب بر کشور سایه افکننده بود شکل گرفت و با برداشتی که او از آرمان‌های اصلی انقلاب و ارزش‌های آن داشت، پی‌ریزی شد» (سحابی، ۱۳۷۹: ۷۹).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت مهدی بازرگان شروع به کار نمود، اندیشه افرادی که بر مسند قدرت در این دولت موقت بودند، با تفکرات تجدیدنظرطلبانه بسیاری از کارگزاران ارزشی انقلاب که در پی استقرار ارزش‌های ایدئولوژیک بودند، در حال تقابل بود. «یکی از

تلاش‌های اصلی دولت موقت این نکته بود که ایران برای گام نهادن در راه توسعه و جایگزین کردن وضعیت و شرایط مناسب که بهتر از سال‌های قبل از انقلاب باشد به دستاوردهای فنی و تکنولوژیکی غرب باید بیشتر توجه نماید، که این امر با ارزش‌ها و باورهای انقلابی همسویی نداشت» (بازرگان، ۱۳۶۳: ۹۲). سقوط دولت بازرگان، از عوامل تأثیرگذار بر اندیشه و آرای اقتصادی‌های هاشمی رفسنجانی، در مواجهه او با غرب در این زمینه بود. زیرا از یک‌سو، کشور برای توسعه نیازمند تکنولوژی‌ای بود که در اختیار غرب قرار داشت و از سوی دیگر امواج ایدئولوژیک‌گرایی و نیروهای اجتماعی پشتیبان آن، مانع از آن می‌شد که قدرت در دست کسانی بتواند باقی بماند که توسعه ایران را با فناوری غربی خواهان هستند. از این‌رو باید راهی میانه را می‌یافت که هر دو سو را با هم داشته باشد. این راه، از همان ابتدا و بعداً در دوران ریاست جمهوری آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، در نوع صدور انقلاب وی نمایان شد که اساس آن بر الگو شدن ایران اسلامی از نظر اقتصاد و توسعه تاکید داشت.

اگرچه‌هاشمی این سیاست اقتصادی را از ابتدا دنبال می‌کرد، اما وضعیت جنگی کشور، این اجازه را به وی نمی‌داد تا آن‌ها را در راه توسعه ایران به کار بندد. از این‌رو، پس از عزل بنی‌صدر، به عنوان جانشین فرمانده کل قوا به اداره جنگ پرداخت «و در چگونگی بسیج منابع کشور در خدمت جنگ نقش کاملاً جدی ایفا کرد و با ایجاد معاونت‌های جنگ در وزارت‌خانه‌ها و سازماندهی آن‌ها، عمده امکانات تولیدی، توزیعی و انسانی کشور را در مسیر جنگ هدایت کرد، کاری که دقیقاً تأثیرگذار هم بود و کارها را به سامان کرد» (فرادید، ۱۳۹۵). شرایط جنگی، موجب شده بود «برداشت تصمیم‌گیرندگان که در رأس امور کشوری بودند، به ویژه در دولت، تماماً ایدئولوژیک شده و رویکرد ارزش‌محور بر اصول اقتصادی اولویت یابد که حیطه‌ای فراتر از منافع ملی کشور داشت» (Adeed, 1993: 19). بر این اساس، شرایط ایجاد شده در کشور به علت جنگ تحمیلی، سیاست‌ها و مباحث کلان و امنیتی کشور را حول مباحث نظامی قرار داده بود، در نتیجه زمینه‌ای برای توسعه وجود نداشت.

جنگ تحمیلی، اثرات زیادی را بر اخلاق و آرای اقتصادی‌های هاشمی رفسنجانی برجای گذاشت. چرا که از یک‌سو، می‌دید جنگ تحمیلی عامل تشدید کننده بحران اقتصادی است و از سوی دیگر مشاهده می‌کرد که امنیت پایدار در یک کشوری از توسعه و توان اقتصادی حاصل از آن پدید می‌آید. به علاوه در همین دوران، این اندیشه اقتصادی در وی تعمیق گردید که سیاست چپ‌ها که بر دولتی شدن همه چیز اصرار می‌کردند تا سطح زندگی مستضعفان را بهبود

بخشند، چگونه نه توانسته بود به علت ناکارآمدی دولت در اداره اقتصاد از عهده چنین آرمانی برآید و نه اجازه داده بود تا بخش خصوصی رشد کند و با ایجاد اشتغال و افزایش تولید، کشور را توسعه بخشد، در نتیجه به عملگرایی شدیدی نیاز است تا بتواند شرایط توسعه را فراهم آورد. این وضعیت با پایان یافت جنگ تحمیلی نیاز به تغییر داشت و هاشمی رفسنجانی فرصت نیاز به سازندگی و جبران خسارت‌های پس از جنگ را برای تغییرات اندیشه‌های اقتصادی درک کرد. مردم نیز با درک برنامه‌های وی، این فرصت را در اختیارش قرار دادند و با اعتماد به او، در مرداد ۱۳۶۸ در انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری و نیز در ششمین دوره، هاشمی رفسنجانی «عمل‌گرا» را به این سمت انتخاب کردند. از منظر هاشمی رفسنجانی جنگ تحمیلی را می‌توان نمادی از بازدارندگی در برابر فرایندهای نوسازی و توسعه اقتصادی کشور دانست. از این‌رو، وی اولویت‌های اساسی خود را در نوسازی و توسعه اقتصادی کشور بنا نهاد تا جبران محدودیت‌های و سال‌های ۶۸ تا ۶۰ را نماید (رفیعی، ۱۳۸۰: ۱۱).

۲-۲. عوامل خارجی موثر بر اخلاق عملگرا و آرای اقتصادی هاشمی رفسنجانی

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت ارتباط میان ایران و غرب نابسامان شد و این وضعیت، حاصل واکنش به وابستگی شاه به آمریکا در رژیم سابق بود. انقلاب اسلامی که در آرمان خود، به آزادی و استقلال جمهوری اسلامی معتقد بود، در اولین اقدامات سیاست خارجی دولت موقت، از اتحاد با غرب خارج شده و در برابر، مشی عدم‌تعهد را برگزید که از آن با عنوان «بی‌طرفی مثبت» (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۱۸۷) مطرح شد. با این حال، دولت موقت به دنبال بهره‌گیری از امکانات غرب بود، اما فضای ایدئولوژیکی حاکم بر کشور این اجازه را نمی‌داد و به ویژه پس از حوادث سفارت آمریکا در تهران، این دولت را مجبور به کناره‌گیری نمود. حوادث سفارت آمریکا، منجر به ایجاد سلسله تحریم‌های علیه ایران شد که به انزوای جمهوری اسلامی منجر گردید.

این فضای ارزشی و ایدئولوژیکی، سیاست صدور انقلاب را با برداشتی تندروانه در پی داشت. در این سیاست که توسط چپ‌های اسلامی به شدت تقویت می‌شد، روابط با ملت‌ها، جای روابط منطقی با دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی گرفت. «هدف از تعقیب این سیاست، آن بود که با بیداری ملل این منطقه، انقلابی نظیر انقلاب اسلامی ایران شکل گیرد و موجب سرنگونی دستگاه حکومتی این کشورها گردد» (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۲). این مسأله، موجب

تیرگی روابط ایران با اکثر کشورها، به ویژه کشورهای منطقه شد که در نهایت به انزوای جمهوری اسلامی و توطئه کشورهای عربی برای پشتیبانی حمله عراق به ایران شد. این مسائل نیز بر آرا و اندیشه‌های اقتصادی‌هاشمی رفسنجانی اثرگذار بود و او را به این نتیجه رهنمون می‌ساخت که این انزوا، «مانع از بررسی و تحلیل مباحث اساسی دیگر همچون مباحث توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی و نوسازی در داخل کشور و برقراری همکاری‌های اقتصادی در خارج از کشورند» (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۲). پس این اندیشه در وی تقویت می‌شد که وی در عرصه سیاست خارجی باید کوشید، در راستای توسعه داخلی انزوای سیاسی و پرهزینه ایران را پایان داده شود و این از خود و از رهگذر نزدیکی محتاطانه به غرب و توسعه روابط با همسایگان ایران، انجام‌پذیر است» (میلانی، ۱۳۸۳: ۴۰۴-۴۰۳). پس گفتمان غالب عمل‌گرایی اقتصادی وی باید سعی کند اصول و اهداف سیاست خارجی را در قالب قواعد و مقررات بین‌المللی تعریف و تعقیب کند» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۰-۸۹).

از این رو، هاشمی رفسنجانی «بر این باور بود که ترمیم اقتصاد کشور مستلزم «تنش‌زدایی و توسعه مناسبات دیپلماتیک مسالمت آمیز با جهان»، «تسهیل در دسترسی ایران به تکنولوژی‌های نوین جهانی به خصوص در حوزه نفت و گاز» و «تعامل فعالانه ایران در شبکه اقتصادی جهانی» است. از نظر ایشان، جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تاکید بر هویت انقلابی و اسلامی خود، برای بهبود تصویر جمهوری اسلامی در فضای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی تلاش کند» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). از نظر ایشان، در حقیقت سیاست صدور انقلاب، باید از طریق الگو و اسوه شدن ایران به وسیله ایجاد یک کشور اسلامی با اقتصادی قوی دنبال می‌گردد تا توجه کشورهای مسلمان را به خود معطوف کند و آن‌ها به ایران گرایش پیدا کنند و این همان راه میانه و متعادلی بود که هم می‌توانست صدور انقلاب را تضمین کند، هم به انزوای ایران پایان دهد و هم، بهره‌گیری از امکانات فناورانه غرب و همکاری بین‌المللی را برای ایران به ارمغان آورد.

بر اساس این عوامل که بر اندیشه‌های اقتصادی او اثرگذار بود، هاشمی رفسنجانی به این باور رسیده بود که «عوامل اقتصادی و اجتماعی عامل اصلی برای بقای نظام می‌باشد، به نظر وی رشد و توسعه اقتصادی یک ضرورت امنیتی است که از داخل و خصوصاً از خارج بر فرآیند سیاست‌گذاری در ایران دیکته شد، به عبارتی تحریم‌ها، محاصره‌ها، مشکلات روانی و فشارهای ناشی از جنگ از یک سو و تهدیدهای نوظهور محیطی پس از فروپاشی نظام دوقطبی از قبیل

ظهور کشورهای بی ثبات در شمال ایران از عمده ترین عوامل ایجاد کننده مشکلات و محدودیت های سیاسی- اقتصادی در ایران بود. علاوه بر این ها جمهوری اسلامی ایران برای پیدا کردن توان لازم برای مقابله مؤثر با حضور بی سابقه آمریکا در خاورمیانه و بازیافت نقش منطقه ای خود لازم بود موقعیت اقتصادی ایران را در صحنه منطقه ای و بین المللی بهبود بخشد. تقویت بنیه اقتصادی ایران ضمن بازتولید مشروعیت داخلی باعث بالا رفتن توان بازدارندگی ایران و همچنین نفوذ منطقه ای ایران می شد، به این ترتیب تهدیدات ناشی از محیط فوری ایران پس از فروپاشی نظام دو قطبی و تضعیف بنیه اقتصادی کشور در اثر جنگ باعث شدند هاشمی رفسنجانی به اندیشه برسد که امنیت حیاتی کشور را از طریق رشد و توسعه اقتصادی تضمین شود» (موسوی، ۱۳۷۸: ۸۷).

در کل و بر پایه این عوامل، اثرگذار داخلی و خارجی، هاشمی رفسنجانی نوسازی و توسعه اقتصادی را به عنوان مجموعه شیوه و روش ها و مکانیزم های علمی و عقلانی نوینی می دانست که ضمن ارتقای سطح زندگی جامعه و رفاه اجتماعی کشور، مباحث نوینی که در پی تحولات بین المللی بر ایران نیز حاکم شده بود را مورد توجه و اهمیت قرار می داد» (حسنی، ۱۳۷۸: ۴۲).

۲-۳- پیامدهای اخلاق عملگرا و آرای اقتصادی هاشمی رفسنجانی

بسیاری معتقدند آغاز دولتمداری اکبرهاشمی رفسنجانی در جمهوری اسلامی منجر به تغییر سبک و سیاق و حتی رویکرد به توسعه اقتصادی شد. از نظر پژوهشگران، با شروع نخستین دوره سکانداری هاشمی رفسنجانی در بدنه اجرایی نگاه حاکم بر حوزه اقتصاد در کشور دگرگون و بر سه پایه جدید استوار شد. رئیس جمهوری دوران سازندگی با هدف توسعه اقتصادی، «اقتصاد آزاد»، «کاهش مداخله دولت در اقتصاد» و «تعامل بین المللی به نفع توسعه اقتصادی» را در دستور کار قرار داد» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). در این چارچوب، آنچه هاشمی رفسنجانی را از چپ و راست متمایز می کرد و در میانه قرار می داد، در خصوص اقتصاد است؛ ایشان با تمام وجود به اقتصاد غربی، به اقتصاد آزاد، سرمایه داری و غربی باور و اعتقاد دارد. هاشمی رفسنجانی معتقد بود که ما باید راهی را برویم که ترکیه، مالزی، برزیل، آرژانتین، شیلی و ... رفتند، بنابراین آقای هاشمی معتقد است که اقتصاد فاسد و دولتی و غیر کار آمد ایران باید کاملاً از بین برود و به جای آن یک اقتصاد آزاد مشابه این کشورها به وجود بیاید» (زیباکلام، ۱۳۹۲)

بنابراین، «هاشمی رفسنجانی در این نگاه جدید، «سازندگی» و «تعدیل» را به‌عنوان دو محور اساسی تصمیمات دولت سازندگی ترسیم کرد. به علاوه در دوره هشت ساله ریاست‌جمهوری هاشمی، گام‌هایی در جهت گذر از «جانشینی واردات» به «توسعه صادرات» برداشته شد. «گرایش به توسعه تولیدات و صادرات غیرنفتی» چه در برنامه اول توسعه و چه در برنامه دوم توسعه مورد توجه قرار گرفت و در کنار سیاست‌های تعدیل اقتصادی، سیاست‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر نیز به‌عنوان مکمل برنامه اقتصادی دوران تثبیت در کابینه رفسنجانی به تصویب رسید. این برنامه‌های حمایتی در تلاش بود تا بار ناشی از تغییر سیاست‌های اقتصادی را از روی دوش اقشار آسیب‌پذیر بردارد» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). هاشمی رفسنجانی با اخلاق عملگرای اقتصادی خویش، برای توسعه کشور از علم بهره گرفت و به این واسطه از تکنوکرات‌ها به عنوان مدیران ارشد خویش در کابینه و بدنه دولت، استفاده کرد، همان کسانی که سپس کارگزاران سازندگی را پدید آوردند.

از نقطه نظر سیاست خارجی در این دوره باید عنوان نمود که سیاست خارجی ایران بر طبق سیاست داخلی توسعه اقتصادی تنظیم گردید تا گزاره «ایرانی آباد و آزاد و مستقل بیاورد ساخت تا امنیت جامعه تحقق یابد»، به عنوان جدی‌ترین گزاره این آرای توسعه اقتصادی هاشمی رفسنجانی خودنمایی کند. از این منظر، الگوی موفق «توسعه ملی»، الگوی موفق راهبرد امنیت ملی هم بود، چرا که بستر مناسب برای پیشبرد امر توسعه، چیزی جز امنیت نیست. در حقیقت میانه‌روی رفسنجانی در سیاست خارجی تابعی بود از سیاست داخلی وی که به دنبال توسعه اقتصادی بود و این امر، جز با میانه‌روی در عرصه سیاست خارجی حاصل نمی‌آمد. در واقع رفسنجانی هم به دنبال صدور انقلاب بود اما این بار با شیوه‌ای تازه یعنی الگو شدن ایران به عنوان اقتصادی اسلامی و قوی و باید گفت سیاست خارجی میانه‌روانه وی بعدها پایه‌ای شد تا خاتمی بتواند سیاست خارجی تنش‌زدایانه خود را به اجرا درآورد.

دولت جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحولات و واقعیت موجود در نظام بین‌الملل، و با توجه به شرایط داخلی کشور که خالی از بحران نبود، به تدریج برای سازمان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خویش قرار داد، عنصر محوری این گفتمان را عملکرد در تنظیم و اجرای سیاست خارجی و سیاست‌های کلان با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد، در واقع در اندیشه هاشمی رفسنجانی پرهیز از هر گونه تحریک دیگران در قالب سیاست عادی‌سازی روابط رشد نمود (ازغندی، ۱۳۷۶: ۷). به این ترتیب، روابط

با دیگر کشورها به ویژه با همسایگان در پیش گرفته شد و روابط اقتصادی کشورمان با دیگر کشورها گسترش یافت تا از فرصت‌های تجارت با آن‌ها و به ویژه امکانات فناورانه آن‌ها به ویژه کشورهای غربی اروپایی ایران، توسعه خویش را به پیش برد. به علاوه، جذب سرمایه‌های خارجی نیز مورد توجه‌های رفسنجانی و برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاست‌گذاران تکنوکرات وی قرار گرفت» (زنوز، ۱۳۸۰: ۲۵).

اقدامات‌های رفسنجانی که در دو برنامه توسعه اول و دوم، بر اساس اخلاق عملگرا و اندیشه‌های اقتصادی و مشی میانه‌روی ایشان شکل گرفته بود، را می‌توان در شاخص‌های زیر مشاهده کرد:

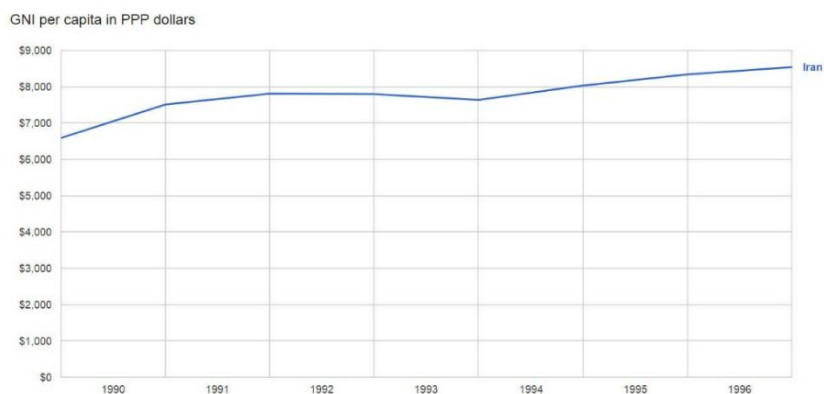


در کل و بر اساس عملی شدن، اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله‌های هاشمی رفسنجانی، «سیاست‌های دولت ایشان ضمن تقویت نقش ایران در مراودات بین‌المللی، دستاوردهای اقتصادی مهمی برای کشور به همراه داشت. بررسی آمارها نشان می‌دهد که طی هشت سال سکانداری‌های هاشمی رفسنجانی در قوای اجرایی کشور، عمده شاخص‌های اقتصادی وضعیت رو به بهبودی را تجربه کرده‌اند. رشد تولید ناخالص داخلی کشور که در دوران جنگ تحمیلی به منفی ۵/۵ درصد رسیده بود، با تغییر جهت چشمگیر به بیش از ۶ درصد افزایش یافت. بر مبنای اولین گزارش توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۷۸ از سوی سازمان برنامه و بودجه به انتشار رسید، درآمد سرانه هر ایرانی طی دوران سازندگی به‌طور متوسط سالیانه حدود ۵ درصد افزایش یافته است. بر مبنای برآورد سازمان برنامه و بودجه طی دوران

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها و اخلاق عملگرای اقتصادی...

ریاست جمهوری هاشمی میزان ارزش افزوده بخش کشاورزی و نفت سالانه معادل ۵ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر ارزش افزوده بخش‌های صنعت و خدمات نیز طی دوران سازندگی نیز به ترتیب معادل ۲ و ۶/۵ درصد به ازای هر سال افزایش یافت. در این دوران کسری بودجه ۵۰ درصدی در سال ۱۳۶۷ به توازن بودجه تبدیل شد و ترکیب هزینه‌های دولت به سمت هزینه‌های عمرانی تغییر جهت داد. تراز منفی تجارت خارجه در این دوران تغییر جهت داد و از حجم سنگین بدهی‌ها و تعهدات دولت کاسته شد. طی ۸ سال یاد شده نرخ بیکاری در کشور با کاهش حدود ۵ واحد درصدی به حدود ۹ درصد کاهش یافت («دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). نمودار یکی از این شاخص‌ها در زیر قابل مشاهده است که بر اساس آن بر اساس درآمد سرانه مردم ایران از ۶۹۵۰ دلار در سال ۱۹۹۰ به ۸۵۴۰ دلار در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است.

نمودار درآمد سرانه جمهوری اسلامی ایران بر اساس قدرت خرید دلار (۱۹۸۹-۱۹۹۷)



<https://www.google.com/publicdata/explore>

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطروحه، مسائل پدید آمده در دوران اولیه انقلاب و سپس دوران جنگ و انزوای جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری ضد استکباری و مستقل، از جمله عواملی بود که اثرات بسیاری بر تعمیق اخلاق عملگرا و اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی و پافشاری بیشتر وی بر مشی میانه‌روی و اعتدالی وی برجای گذارد. هاشمی رفسنجانی در اخلاق عملگرای اقتصادی خویش، نوسازی و توسعه اقتصادی را به عنوان مجموعه شیوه‌ها و روش‌ها و

مکانیزم‌های علمی و عقلانی نوینی می‌دانست که ضمن ارتقای سطح زندگی جامعه و رفاه اجتماعی کشور، تحولات نوینی که در عرصه بین‌المللی بر جهان حاکم شده بودند را مورد توجه و اهمیت قرار می‌داد. این فرآیند ایشان را بیش از توجه به جنبه‌های توسعه سیاسی، به سوی توجه به اولویت‌های اقتصادی در اخلاق، اندیشه و عمل سوق داد تا با توسعه اقتصادی هم جایگاه کشور را در نظام بین‌الملل ارتقا دهد و هم امنیت را پایدار نماید، به جز اینکه در نهایت، در دوره‌های بعدی با گسترش طبقه متوسط زمینه دستیابی به توسعه سیاسی را نیز در کشور پدید آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). «نظام بین‌المللی و سیر تکوینی آن»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، اسفند، صص ۳۱-۶.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸). «تنش‌زایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، زمستان، صص ۱۰۵۱-۱۰۳۴.
- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۴). دولت موقت، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مظاهر.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر، تهران: فرهنگ گفتمان.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- حسینی، محمدحسین (۱۳۷۸). نوسازی جامعه، تهران: چاپ نشر و عروج.
- خاتمی، محمود (۱۳۸۷). «ملاحظات در باب مدرنیته و پست‌مدرنیسم»، رهیافت‌های فکری - فلسفی معاصر در غرب، به کوشش گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۵). «توسعه اقتصادی از نگاه‌های هاشمی»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۹۵۵، ۲۲ دی، در: <http://donya-e-eqtasad.com/news/108566>
- دوورژه، موریس (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیعی، محمدحسین (۱۳۸۰). توسعه ایران، تهران: نشر مهدیه.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌ها و اخلاق عملکردی اقتصادی...

زنوز، بهروز (۱۳۸۰). سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران: نشر فروزان.
زیباکلام، صادق (۱۳۹۲). «مناظره صادق زیباکلام و سیدعباس نبوی درباره انتخابات ریاست جمهوری
در دفتر خبرگزاری تسنیم»، خبرگزاری تسنیم، ۲۳ اردیبهشت، در:

<https://www.tasnimnews.com>

سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۹). دغدغه‌های فردی ایران، تهران: نشر قلم.

شیرزادی، رضا (۱۳۹۱). نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.

صالح، عبدالله (بی‌تا). پراگماتیسم در اسلام، ترجمه مهدی بازرگان، تهران: علمی.

فرادید (۱۳۹۵). «رازهای اقتصادی‌های هاشمی رفسنجانی»، فرادید، ۲۳ دی، در:

<http://www.faradeed.ir/fa/news/32254>

کیلی، ری و فیل مافیلت (۱۳۹۱). جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی و بیدخت
محمدعلی شیخ‌علیان، چاپ چهارم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه،
موسوی، سیدرضا (۱۳۷۸). «اولویت‌های سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی»، فصلنامه پژوهش
مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۷، تابستان، صص ۹۱-۷۶.

میلانی، محسن (۱۳۸۳). شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.

هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۴۶). امیرکبیر یا میرزا تقی‌خان فراهانی قهرمان مبارزه با—
استعمار، تهران: فراهانی.

(ب) منابع انگلیسی

Adeed, Dawisha (1993). **Islamic Foreign Policy**, Cambridge: Cambridge University Press.

Korton, David (1999). **The Post Corporate World Life after Capitalism** Sunfrancisc, Berreti, Koehler Publisher.

